



# The role of resurrection in the formation of the family according to the Holy Quran<sup>1</sup>

**Abdul Reza Soleimani Babadi**

Level 4, Qom Seminary, Qom, Iran. As0leimani1780@gmail.com

**Hassan Islampour Karimi**

Assistant Professor, Shahid Mahallati University, Qom, Iran (**Corresponding Author**).  
Eslampur88@gmail.com

## **Abstract**

The purpose of this study is to explain the verses related to the role of believing in the resurrection in the formation of the family system. The present study has tried to explain the role of believing in the resurrection in the process of family formation by referring to the verses of the Holy Quran in a descriptive-analytical method. The research findings indicate that the belief in the resurrection, due to the systematic and comprehensive view that it creates for the believer in all walks of life, calls him to all-round responsibility and observance of divine criteria in choosing spouse and avoiding false customs. Believing in the resurrection has a great impact on the formation of the family and the observance of appropriate criteria in the process of choosing a spouse and educates family members to be believing in the resurrection and religious. Hence, it can be said that the most important problems in the beginning of the family institution and the harms associated with this stage are disbelief in the resurrection.

**Keywords:** Quran, Resurrection, Family, Marriage.

## نقش معادباوری در تشکیل نهاد خانواده از منظر قرآن کریم<sup>۱</sup>

عبدالرضا سلیمانی بابادی

سطح 4، حوزه علمیه قم، قم، ایران. As0leimani1780@gmail.com

حسن اسلام‌پور کریمی

استادیار، دانشگاه شهید محلاتی، قم، ایران (نویسنده مسئول). Eslampur88@gmail.com

### چکیده

هدف این پژوهش تبیین آیات مرتبط با نقش معادباوری در تشکیل نظام خانواده است. تحقیق حاضر تلاش کرده است با مراجعه به آیات قرآن کریم به روش توصیفی-تحلیلی نقش معادباوری را در فرایند تشکیل خانواده تبیین کند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که باور به معاد، در اثر نگاه سیستمی و جامع که برای مؤمن در تمام لایه‌های زندگی ایجاد می‌کند، او را به مسئولیت‌پذیری همه‌جانبه و رعایت ملاک‌های الهی در انتخاب همسر و پرهیز از رسوم غلط فرامی‌خواند. معادباوری در تشکیل خانواده و رعایت معیارهای مناسب در فرایند انتخاب همسر تأثیر بسزایی دارد و اعضای خانواده را معادگرا و فرزندانی دین‌مدار تربیت می‌کند. از این‌رو، می‌توان گفت مهم‌ترین معضلات در شروع نهاد خانواده و آسیب‌های مرتبط با این مرحله، عدم اعتقاد به معاد است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن، معادباوری، خانواده، ازدواج.

## 1. مقدمه

انسان برای خانواده و برنامه عالی طبیعی باید بر مبنای مقررات شرعی و قوانین الهی که در قرآن مجید و سخنان ملکوتی انبیاء و امامان (ع) آمده است، عمل کند. مایه‌های اولیه این حقیقت به صورت غریزه، میل، دوستی، عشق و مهربانی در مرد و زن به اراده حکیمانه حضرت حق قرار داده شده است. منظور از خانواده در سراسر این نوشته، خانواده الهی و متدین است. دین برای تربیت يك خانواده اصیل و پایدار و فرزندان صالح، اساس خانواده را بر امور دینی سامان می‌بخشد. در حقیقت تمدن هر جامعه مرهون تربیت فرزندان صالح است. ازدواج و گزینش همسر، انتخاب مطلوب‌ترین همراه و ترسیم روشن‌ترین طریق سعادت و پاسخی مناسب به عالی‌ترین نیاز فطری انسان، یعنی وصول به کمال و سعادت می‌باشد. از سوی دیگر، یکی از مهم‌ترین امور و اعتقادات دینی، معادباوری بوده که بخش قابل توجهی از حجم قرآن کریم را به خود اختصاص داده است. طبعاً این باور فراگیر باید با آموزه مهم تشکیل خانواده که در قرآن مورد تأکید است، ارتباط معناداری داشته باشد.

از این‌رو، تحقیق حاضر درصدد پاسخ به این سؤال محوری است که نقش اعتقاد به معاد، در تشکیل خانواده از نظر قرآن کریم چیست؟

معادباوری ایجاب می‌کند که با انتخاب صحیح انسان برای تشکیل خانواده، خود و اعضای خانواده را در مسیر سعادت قرار دهد. آدمی، با پرهیز از انتخاب غلط خود و با رعایت معیارهای دینی در تشکیل خانواده، می‌تواند خود را از آتش جهنم دور کند. بنابراین، ضرورت دارد از معادباوری در تشکیل خانواده بحث شود تا با انتخاب صحیح و رعایت معیارهای مناسب، زندگی سرتاسر شادی و سعادت برای خود و اعضای خانواده رقم بزنیم.

پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که برخی همچون کامرانی، 1399؛ صفورایی 1390 و عسکری نقوی، 1398، به نقش معاد در خانواده به صورت کلی پرداخته و بر مسئله مورد نظر این تحقیق، تمرکز خاصی نداشته‌اند. اما پژوهش پیش‌رو تلاش کرده است با روش توصیفی-تحلیلی، با محوریت آیات قرآن، نقش‌های متعدد معادباوری را در فرآیند تشکیل خانواده به صورت مرحله

به مرحله تبیین کند.

## 2. مفاهیم پژوهش

**الف) معادباوری:** اعتقاد به معاد، اصول سه‌گانه دین مقدس اسلام و از ضروری‌ترین مسائل این دین پاک است. صدها آیه در قرآن کریم و هزاران روایت از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) بر وجود معاد و برانگیختن همه انسان‌ها در یک روز معین پس از مرگ اشاره و تأکید می‌کنند. روزی که خداوند به نیکوکاران، نعمت و لذتی ابدی می‌بخشد و بدکاران را به سزای کردار و رفتارشان، گرفتار عذابی ابدی می‌کند.

معادباوری نیز به این معناست که انسان در اعماق وجود خود به حیات ابدی ایمان آورد و اعتقاد به معاد را محور زندگی خود قرار دهد. بیشتر انسان‌ها بر اساس فطرت خود و با نوع ادبیاتی که با مردگان سخن می‌گویند و تعامل دارند، به وجود این اصل اقرار می‌کنند؛ با این تفاوت که برخی به طور قلبی و برخی در عمل، به آن یقین پیدا نکرده‌اند. به عبارت دیگر، گرچه همه می‌دانند روزی مرگ به سراغ آنان می‌آید، ولی در عمل به‌گونه‌ای رفتار می‌کنند که گویی به مردن و برانگیخته شدن شک دارند و مرگ را باور نمی‌کنند. اسلام این نوع ایمان را نفی کرده و ایمان، اطمینان و باور قلبی، ظهور عینی و عملی آن را در زندگی، مفهوم معادباوری معرفی می‌کند (مائده، 69).

**ب) خانواده:** خانواده به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند، واحدی اجتماعی بوده که شامل پدر، مادر و فرزندان آنها است (عمید، 1374، ج 1، ص 978). معادل واژه «الاسرة» در زبان فارسی، خانواده می‌باشد. الاسرة: عشيرة الرجل و اهل بيته (ابن منظور، 1416ق، ج 4، ص 20).

اگر یک تعریف نسبتاً جامع برای خانواده از نگاه اسلام بخواهیم ارائه دهیم، می‌تواند چنین باشد: خانواده بنائی است که با پیمان زندگی مشترک یک زن و مرد مسلمان بنا نهاده می‌شود و براساس آن غالباً زن و مرد با فرزندان و گاهی فرزند همسر، پدر و مادر بزرگ در مسکنی واحد و در فضایی همراه با آرامش و محبت،

تحت مدیریت و تأمین معیشت مرد زندگی می‌کنند. زوجین نسبت به نیازهای هم به‌ویژه نیاز جنسی مسئول و برای سایرین نقش محافظتی و پرورشی دارند (سراقی و صفورایی پاریزی، 1398). نکاح، عقدی است که براساس آن، رابطه زوجیت بین زن و مرد برقرار و پس از آن، برای طرفین وظایف و حقوقی جدید ایجاد می‌شود. ارتباط خویشاوندی در سایه نکاح پدید می‌آید و اعضای آن دارای روابط قانونی، اخلاقی و عاطفی هستند (قائمی، 1374، ص 20).

### 3. نقش‌های معادباوری

#### 3-1. نقش معادباوری در پذیرش مسئولیت در تشکیل خانواده

در تشکیل و اصل پذیرش مسئولیت تشکیل خانواده، بهانه‌جویی‌ها یا مشکلات و فشارهایی از سوی اولیای زن و مرد و یا مردم و خویشاوندان وارد می‌شود.

#### 3-1-1. نقش معادباوری در اجتناب از رسوم مانع ازدواج

از رسوم ظالمانه جاهلیت در امر طلاق این بود که مرد، همسرش را طلاق می‌داد، ولی اجازه ازدواج مجدد به او نمی‌داد و زن و یا بستگان او را تهدید می‌کرد و یا آنها را تطمیع می‌کرد تا مانع ازدواج زن با مرد دیگری شود (علی، بی‌تا، ج 5، ص 552)، زیرا ازدواج مجدد زن با دیگری، با غیرت و تعصب عربی شوهر قبلی منافات داشت (نوری، 1376، ص 616). در رسوم جاهلیت بستگان نزدیک، به خود حق می‌دادند که در امر ازدواج زنان مطلقه خویشاوندان خود دخالت کنند (مکارم شیرازی و همکاران، 1371، ج 2، ص 128). قرآن کریم برای از بین بردن و اصلاح این اندیشه خرافی، می‌فرماید: «وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»، «و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند! اگر در میان آنان، به طرز پسندیده‌ای تراضی برقرار گردد. این دستوری است که تنها افرادی از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارند، از آن، پند می‌گیرند (و به آن، عمل می‌کنند). این (دستور)، برای رشد (خانواده‌های) شما مؤثرتر و برای شستن آلودگی‌ها

مفیدتر است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید» (بقره، 232).

«عضل» در لغت برای ممانعت شدید به کار رفته و جایز شده است (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 571). نوعی جلوگیری همراه با تنگنا و تحت فشار قرار دادن، است، مانند منع کردن زن از ازدواج دلخواهش (مصطفوی، 1368، ج 8، ص 165). به حوادث سخت نیز «معضلات»، به دردی که درمان آن دشوار است «داء عضال» و به گوشت سفت و سخت «عضله» گفته می‌شود (ابن فارس، 1404ق، ج 4، ص 345-346).

در تبیین این آیه آمده است: زن در ازدواج مجدد بعد از طلاق آزاد است و می‌تواند با همسر سابق و یا همسر جدیدی ازدواج کند و ازدواج زن بیوه سفارش خداوند به مؤمنان است. خداوند متعال فرموده است: مانع نشوید و زن‌ها را تحت فشار قرار ندهید و آنها را در انتخاب آزاد بگذارید تا خود برای آینده خود تصمیم بگیرند، اما در ذیل آیه می‌فرماید، شما مردان و یا اولیاء جلوگیری نکنید تا اینکه زنان طلاق داده شده‌ای که شما سرپرست و ولی آنان هستید، دوباره با شوهران سابقشان ازدواج کنند که این کار و رجوع مجدد «ذَلِكُمْ اَزْكِ لَكُمْ وَ اطْهَرُ»، مشارالیه به اشاره «ذلكم»، مانع نداشتن از رجوع زنان به شوهران و یا خود رجوعشان است. برگشت هر دو به يك معنا می‌باشد، چه بگوییم مانع نشدن شما از رجوع زنان به شوهران برای شما ازکی و اطهر است و چه بگوییم رجوع زنان به شوهران برای شما ازکی و اطهر است. اما علت ازکی و اطهر بودن چنین رجوعی، رجوع از دشمنی و جدایی به التیام و اتصال است. این رجوع، غریزه توحید در نفوس را تقویت می‌کند و براساس آن، رشد همه فضائل دینی، تربیت ملکه عفت و حیا در میان زنان را سبب می‌شود. چنین تربیتی در پوشاندن معایب زن و پاک‌ی دل‌هایشان مؤثرتر است. این رجوع، از فایده‌ای دیگر نیز برخوردار می‌باشد، اینکه دل‌هایشان از اینکه متمایل به اغیار شود، محفوظ می‌ماند. اگر خلاف این سبک رجوع، اتفاق بیفتد و اولیاء و بستگان، زن مطلقه را از ازدواج با همسر قبلی منع کنند، به احتمال قوی خطری جبران‌ناپذیر پیش خواهد آمد (طباطبایی، 1390، ج 2، ص 239).

بعضی از مفسران جمله «أزکی لکم» را اشاره به ثواب‌هایی می‌دانند که با عمل به این دستورها حاصل می‌شود. جمله «اطهر» به پاک شدن از گناهان بدیهی اشاره دارد. حوادثی پیش می‌آید که دو همسر با تمام علاقه‌ای که به یکدیگر دارند، تحت تاثیر آن مشکل، از هم جدا می‌شوند. بعد که آثار مرگبار جدایی را با چشم خود می‌بینند، پشیمان شده، تصمیم به بازگشت می‌گیرند. سخت‌گیری و تعصب در برابر بازگشت آنها، ضربه سنگینی به هر دو می‌زند (مکارم شیرازی، 1371، ج 2، ص 184).

اگر کسی ایمان دقیق و کامل به خدای متعال و روز آخرت داشته باشد، به دستورات شریعت پایبند است و هرگز با فرامین الهی مخالفت نمی‌کند. فرد مؤمن، تعصب‌ها، رسوم، پندارها، سنت‌های غلط و کینه‌توزی‌های موجود در زندگی امروزه را دور می‌ریزد و پندهای خداوند را در زندگی خانوادگی خود اجرا می‌کند و می‌تواند تمایل‌های خود را کنترل کند. هرچند ایمان به پرورگار و روز قیامت در انسان قوی‌تر گردد، پایبندی او به دستورات قرآن و سنت نیز بیشتر، زندگی او توأم با آرامش می‌شود. بنابراین، انسان معادباور و معتقد، می‌داند جهان دیگر برای حساب و کتاب است و مانع ازدواج زنان نمی‌شود. با وجود این مراقبت‌ها، با تعصبات و رسوم غلط و مخالف با دستورات الهی، موجبات ترک فرامین و عذاب خداوند را برای خود فراهم نمی‌کند.

### 3-1-2. نقش معادباوری در رفع موانع مالی ازدواج

امروزه مسئله تشکیل خانواده آن‌قدر در میان آداب و رسوم غلط از جمله تجمل‌گرایی، تشریفات، مهریه‌های سنگین و جهیزیه گران‌قیمت و خرافات پیچیده شده است که جوانان بسیاری در انتظار و آرزوی ازدواج مانده‌اند. افراد، ازدواج را به صورت يك مسیری غیر قابل عبور می‌بینند. عدم توجه به این موانع، می‌تواند مشکلات پیچیده‌تری را به وجود بیاورد. ازدواج سالم یک حکم و قانون فطری بوده و انسان برای استمرار نسل و



آرامش جسم و روح و حل مشکلات زندگی به تشکیل خانواده نیازمند است. در هیچ آیین الهی ممکن نیست حکمی برخلاف اقتضائات فطری تشریح گردد. احکام تشریح با تکوین هماهنگ است. اسلام نیز که هماهنگ با آفرینش گام برمی‌دارد، در این زمینه تعبیرات جالب و مؤثری دارد، زیرا غریزه جنسی نیرومندترین و سرکش‌ترین ویژگی انسان است که به تنهایی با دیگر غرائز برابری می‌کند و انحراف آن، نیمی از دین و ایمان انسان را به خطر خواهد انداخت. به همین دلیل در آیه 32 سوره نور و همچنین روایات متعددی، مسلمانان به همکاری در امر ازدواج مجرّدان و هرگونه کمک به این امر تشویق شده‌اند (حرعاملی، 1409ق، ج 14، ص 27). به‌ویژه اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده است و پدرانی را که در این مسئله حیاتی بی‌تفاوت هستند، شریک جرم انحراف فرزندانشان شمرده است. خداوند در سوره تحریم آیه 6 می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقَوْذُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»، «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل)، اجرا می‌نمایند».

در آیه مبارکه فوق خداوند به مؤمنان معادباور خطاب کرده و دستور می‌دهد که در قبال خانواده خود مسئولیت دارند و هر آنچه که اهل و خانواده آنها را به عذاب اخروی دچار می‌کند، باید رفع شود. بدیهی است که یکی از مصادیق وقایه و مصونیت‌بخشی فرزندان از انحرافات جنسی، اقدام به ازدواج است و والدین و اطرافیان و حتی دولت اسلامی که به معاد و آتش دوزخ اعتقاد دارند، باید با رفع موانع ازدواج که عمدتاً موانع مالی می‌باشد، مسئولیت خویش را ایفا کنند.

از آنجا که امر ازدواج و قرار دادن غرائز جنسی در مسیر ارضاء مشروع، در سعادت اخروی انسان نقشی تعیین‌کننده دارد، در آیه دیگری این فرایند اداء مسئولیت در قبال فرزندان و افراد بی‌همسر را به طور مصداقی نشان داده، می‌فرماید: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ

يُغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»، «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!» (نور، 32).

نکاح در لغت به معنای ضم (پیوستن) است (کبیر مدنی شیرازی، 1384، ج 5، ص 79). لغت‌شناسان درباره معنای نکاح، اختلاف دارند، برخی معتقدند معنای نکاح همان وطی بوده (از هری، بی‌تا، ج 4، ص 94) و نظر دیگر بر تزویج بودن نکاح است (ابن منظور، 1416ق، ج 3، ص 625). برخی نیز معتقدند که نکاح به معنای عقد است (ابن فارس، 1404ق، ج 5، ص 475). برخی نیز معتقدند معنای نکاح هر دو معنا یعنی هم وطی و هم عقد است (جوهری، 1376، ج 1، ص 413).

مخاطب این آیه، تمام مسلمانان هستند (طبرسی، 1372، ج 7، ص 219). پس از آنکه خداوند به مردان و زنان دستور داد که عفت خود را نگه دارند و از نگاه به نامحرم خودداری کنند و زن‌ها را از جلوه‌گری زیورها در برابر نامحرمان نهی کرد، اکنون به آنان فرمان می‌دهد که برای آسان شدن ازدواج برای هر مرد و زنی که به آن نیاز دارد، همکاری کنند، زیرا انتخاب نکردن همسر، منبع زشتی‌ها و پستی‌هایی همچون زنا و لواط است و ازدواج موجب می‌شود که انسان از این کارهای زشت در امان بماند (مغنیه، 1424ق، ج 5، ص 419). پس از آن فرمود: اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی‌نیاز می‌سازد. برخی گفته‌اند: «مفاد این آیه، وعده خداوند به بی‌نیاز کردن کسانی است که تشکیل خانواده می‌دهند» (الوسی، 1415ق، ج 18، ص 218). روایاتی نیز این معنا را تأیید می‌کند. در حدیثی، امام صادق(ع) «ترك ازدواج به سبب ترس از فقر و تنگدستی را سوء ظن به پروردگار دانسته است» (کلینی، 1407ق، ج 5، ص 330)، زیرا پس از وعده قرآن به توسعه رزق، نگرانی در این زمینه، جز بدگمانی به خدا نیست. منظور از رزق در آیه، بخششی است که به اندازه کوشش انسان به او می‌رسد، هر چند که عطاءکننده آن معلوم نباشد. سپس توسعه دیگری در معنای آن داده و آن را شامل هر سودی که به انسان برسد کرده است، هر چند

که غذا نباشد. به این اعتبار، همه مزایای زندگی اعم از مال، مقام، فامیل، یاوران، زیبایی، علم و... را رزق خواندند (طباطبایی، 1390، ج 3، ص 12).

در این آیه وظیفه ازدواج دختران و پسران را بر عهده همه افراد جامعه اسلامی و به‌ویژه پدران قرار داده است؛ بنابراین، اعتقاد به معاد و بازخواست از مسئولیت‌ها و وظایف در قیامت (در بحث کمک و مانع نشدن در امر ازدواج) باعث می‌شود پدران، طبق مسئولیت و وظیفه‌ای که دارند، فرزندان خود را کمک کنند و بسترهای مناسب فرهنگی و یک ازدواج خوب و با امکاناتی در حد توان برای ازدواج فرزندان را فراهم کنند تا امنیت و آرامش فرزندان فراهم شود. افراد با تسهیل فرآیند ازدواج، از گناه، فساد، خودکشی‌ها و بی‌آرامشی در زندگی امروزه جلوگیری کنند و با بهانه‌های مختلف از جمله نداری، مانع ازدواج آنها نشوند و آنان را در تشکیل زندگی یاری کنند. در این راه از ثواب و اجرهای زیادی نیز در قیامت بی‌بهره نمی‌مانند. از این‌رو از کمک به فرزندان دروغ نمی‌کنند. همچنین باید بدانند اگر سهل‌انگار و سخت‌گیر و یا بی‌تفاوت باشند، شریک جرم فرزندان محسوب می‌شوند و در قیامت باید پاسخگو باشند. به همین دلیل باید در امور ازدواج، فرزندان خود را یاری و به بهانه‌های مختلف مانع ازدواج آنها نشوند.

همچنین اگر در آیات 26 و 27 سوره قصص، رفتار حضرت شعیب(ع) را در تزویج دخترش با حضرت موسی(ع) مورد تأمل قرار دهیم، درمی‌یابیم که والدین نباید در امر ازدواج دختر و پسر سخت‌گیری کنند و در خرج عروسی و جهیزیه و مهریه نباید داماد را تحت فشار و تنگنا قرار دهند. بله، سخت‌گیری و ایجاد موانع و تأکید بر عادات و رسم‌های غلط و درخواست شرایط سخت، جمال، ثروت و مقام از طرف پدر و مادر برای پسران و دختران خود، علت ازدیاد استمنا، لواط، زنا و فشارهای عصبی و بیماری‌های روانی دختران و پسران است. این همه فتنه و فساد عواقبش گریبان‌گیر آن پدر، مادران، اقوام و خانواده‌هایی است که در مسئله ازدواج سخت‌گیری می‌کنند. بنابراین، اعتقاد به خدا، معاد و اعتقاد به بازخواست از اعمال، باعث می‌شود که پدر و مادر و یا اقوام، اگر خواستگار خوبی آمد و اگر ثروت و مقام و... نداشته باشد، داماد را

ازدواج

در  
یاری نمایند.

### 3-1-3. نقش معادباوری در انتخاب‌های تشکیل خانواده

یک جوان معادباور که خود را در برابر اوامر الهی پاسخگو می‌بیند، ملاک‌های انتخاب خود را بر اساس بایدها و نبایدهای الهی همسو می‌کند و به منظور تسهیل راه رسیدن به خدا و سعادت دنیوی و اخروی با انتخاب صحیح همسر، راه بندگی خدا را برای خود هموار می‌سازد. انتخاب درست همسر می‌تواند تا پایان عمر، فرد را با طعم خوشبختی در زندگی دنیوی و لذت سعادت‌مندی در آخرت آشنا کند، زیرا همسر خوب و موفق زندگی را قرین آرامش و آسایش می‌کند و عامل مهمی است که زمینه‌های گناه را حذف کند، ولی اگر فرد در انتخاب همسر خود به اندازه لازم و کافی دقت نکند و در این زمینه دچار خطا شود، به غیر از بدبختی و تیره‌روزی چیز دیگری در انتظار او نخواهد بود. با توجه به اهمیت این امر، لازم است که چه دختر و چه پسر برای تشکیل زندگی مشترک و یکی شدن، رسیدن به آرامش، حفظ نوع بشر، تربیت بشر و تربیت انسان‌های برتر و شایسته از خود باید در انتخاب همسر دقت کنند و به آخرت و عاقبت کار بیندیشند، زیرا اشتباه در این امر می‌تواند آسیب‌های زیادی را به دنبال داشته باشد و حتی زندگی فرد را برای مدتی تحت تأثیر قرار دهد و باور به معاد ایجاب می‌کند باید جوابگوی این انتخاب‌ها بوده و در انتخاب‌ها، سنجه‌های الهی را مدنظر داشته باشد. انسان باید به دور از احساسات زودگذر و با چشمانی باز به بررسی تمام جوانب امر بپردازد و تصمیمی عاقلانه و درست بگیرد. در ادامه به نقش معادباوری در بعضی از ملاک‌ها و دقت در انتخاب در تشکیل خانواده در قرآن کریم می‌پردازیم.

یکم. نقش معادباوری در انتخاب نکردن زنان مشرک و ازدواج با همسر باایمان  
مهم‌ترین شرط و ملاکی که قرآن کریم در آیات متعدد برای همسر مطرح

می‌کند، ایمان و اعتقاد او است، زیرا ایمان و اعتقاد به خداوند و باور قلبی به روز قیامت و حسابرسی دقیق آن، از آدمی انسانی متعهد می‌سازد، انسانی که شرایط یک همسر خوب را دارد و حقوق همسر خود را ضایع نمی‌کند، زیرا ایمانش مانع این کار است. مهریه‌های سنگین و نه الزامات دیگر، هیچ‌کدام نمی‌تواند مانند «ایمان» و «اعتقاد» شخص را به زندگی و مسئولیت‌های آن پایبند کند. بنابراین، اگر در فردی «ایمان قوی» یافتیم، می‌توانیم امیدوار باشیم که سایر گزینه‌های دیگر را نیز دارد؛ یا اگر نداشته باشد، می‌تواند آسان‌تر به دست آورد. قرآن کریم می‌فرماید «و لا تَنكحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُوْمِنَ وَ لَأُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَأُنكحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُوْمِنُوا وَ لَعِدُّ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ بَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»، «با زنان مشرک و بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید! زیرا کنیز باایمان، از زن آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هرچند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست، تا ایمان نیاورده‌اند، درنیاورید! (اگرچه ناچار شوید آنها را به همسری غلامان باایمان درآورید)، زیرا یک غلام باایمان، از یک مرد آزاد بت‌پرست، بهتر است؛ هرچند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد، شاید متذکر شوند» (بقره، 221).

**مشرک:** اسم فاعل از ریشه شرک است که در لغت به معنی مخلوط شدن مالکیت (راغب اصفهانی، 1412ق، ص451) و سهم و نصیب (ابن منظور، 1416ق، ج 10، ص 449) می‌باشد. در اصطلاح قرآنی مشرک به شخصی اطلاق می‌گردد که برای شخصی یا چیزی وجودی مستقل و مؤثر، در عرض خداوند قائل باشد و در اعمال خود سهم و نصیبی برای غیر خدا قائل شود (مصطفوی، 1368، ج 6، ص 50).

**مراد از مشرکین:** برخی گفته‌اند تمام کسانی را که به نبوت محمد(ص) ایمان ندارند، دربرمی‌گیرد. اهل کتاب، یهود و نصارا از جمله مشرکان است و نیز برخی گفته‌اند: قرآن، لفظ مشرکین را برای اهل کتاب به کار نمی‌برد، هرچند آنان

به ربوبیت عیسی(ع) و سه‌گانه‌پرستی عقیده دارند». طرفداران این نظریه به آیه: «ما یوَدُ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ وَ لَا الْمُشْرِکِینَ» و نیز آیه اوّل سوره بینه: «لَمْ یُکُنِ الَّذِینَ کَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْکِتَابِ وَ الْمُشْرِکِینَ» (بقره، 105) استدلال کرده‌اند، بدین ترتیب که [در این دو آیه] «الْمُشْرِکِینَ» بر «أَهْلِ الْکِتَابِ» عطف شده و عطف، تعدّد و تغایر را اقتضاء دارد، زیرا شیء بر خودش عطف نمی‌شود (مغنیه، 1424ق، ج 1، ص 332). پس به نظر می‌رسد منظور همان بت‌پرستان است، چون کلمه مشرک در قرآن بر غیر اهل کتاب اطلاق شده است.

علت تحریم زن گرفتن و زن دادن به مشرکان در آیه پیشین این است که آنها با عمل و عقیده، پیوسته مردم را به سوی آتش می‌خوانند و مؤمن به خداوند لیبیک گفته و خداوند او را به بهشت و غفران می‌خواند. پس مؤمن نمی‌تواند و نباید با مشرکان شریک زندگی باشد که قهراً با دوست داشتن و مودت و غیره همراه خواهد بود (قرشی بنان، 1375، ج 1، ص 407). پس مشرکان چه زن و چه مردشان به سوی آتش دعوت می‌کنند و اگر از طریق ازدواج به خانه‌های مسلمانان راه یابند، جامعه اسلامی گرفتار هرج و مرج و دشمنان داخلی می‌شود، ولی این تا زمانی است که آنها بر مشرک بودن پافشاری می‌کنند. در عین حال، راه به روی آنها باز است و می‌توانند ایمان بیاورند و در صفوف مسلمانان قرار گیرند و به اصطلاح کفو آنها در مسئله ازدواج شوند (مکارم شیرازی، 1371، ج 2، ص 132)، ولی مؤمنان برخلاف آن، با سلوک راه ایمان و اتصافشان به لباس تقوا انسان را به زبان و عمل به سوی جنت و مغفرت می‌خوانند و به اذن خدا هم می‌خوانند، چون خدا اجازه‌شان داده که مردم را به سوی ایمان دعوت کنند و به رستگاری و صلاح که سرانجامش جنت و مغفرت است، راه بنمایانند (طباطبایی، 1390، ج 2، ص 305). معنای دعوت به آتش در آیه، دعوت به کارهایی می‌باشد که مستوجب آتش است. آن اعمال، کفر و گناهان گوناگون هستند. اینها است که قیامتشان را به صورت آتشی تصویر می‌کند که در آن معذب خواهند شد. ممکن است مراد از کلمه «نار» همان کارهای مستوجب آتش باشد که به طور مجاز و از باب اطلاق مسبب و اراده سبب، آتش نامیده شده است (همان، ج 16، ص 38).

مراد از فراخواندن به آتش، دعوت به معصیت و کفر و افعالی است که عذاب جهنم و آتش را در پی دارد (قمی مشهدی، 1368، ج 10، ص 73).

در این آیه ازدواج با مشرک نهی شده است و انسان مشرک با گفتار و کردارش انسان باایمان را به آتش فرامی‌خواند. بنابراین، انسان معتقد به معاد، قیامت، حساب و کتاب باور داشته باشد و بداند که حسابی در کار است و اگر انتخابش از روی غیر تدین باشد و ملاک انتخابش در انتخاب همسر ایمان باشد و اگر همسری مشرک انتخاب کند، این کار او باعث استحقاق عذاب جهنم و آتش می‌شود. بنابراین، انسان معتقد، به عواقب کارش در روز قیامت می‌اندیشد و انتخابش را درست انجام می‌دهد و تدین و دین‌داری در انتخاب همسر را بر همسر مشرک و اگر با کمالات، ترجیح می‌دهد، زیرا ایمان و اعتقاد به خداوند و باور قلبی به روز قیامت و حسابرسی دقیق آن، از آدمی انسانی متعهد می‌سازد.

#### دوم. نقش معادباوری در ملاک‌های درست در ازدواج

از نظر اسلام، ازدواج مهم‌ترین عامل تربیت انسان و خانواده محبوب‌ترین بنای عالم هستی نزد خداوند است. اسلام توصیه می‌کند در گزینش‌های اساسی از جمله در انتخاب همسر به ملاک‌های ظاهری و چشم‌نواز مانند زیبایی، ثروت، مقام، جاه و مدارک بالا توجه نکند و برای سنجش افراد خاستگاه‌های اصیل همچون میزان و کیفیت دین‌داری و عوامل خانوادگی را در نظر بگیرد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَ لَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَ بَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»، (بقره، 221).

خداوند در این آیه با انسان‌های معادباور سخن می‌گوید و این امر از ادبیاتی که در انتهای آیه استعمال شده، کاملاً نمایان است، ملاک انتخاب را بر روی ایمان و توحید تمرکز داده است.

عجب، آن حالتی است که از بزرگ شمردن یا انکار چیزی بر شخصی عارض می‌شود (قرشی بنان، 1371، ج 4، ص 292) و در اصطلاح مفسران حالتی است که از دیدن چیزی به وجود می‌آید که آن چیز خارج از جریان طبیعی و خارج از مورد انتظار و عادت باشد (مصطفوی، 1368، ج 8، ص 35).

اگر مردان مشرک و زنان مشرک را برای ازدواج و تشکیل خانواده انتخاب کنید و اگر زیبایی، مقام، جاه، ثروت و طبقات خانوادگی را داشته باشند، شما را فریب ندهد، این‌ها ملاک اصلی نیست، زیرا طرف مقابل خود را به طرف آتش و عذاب الهی می‌کشاند، یعنی شرك و بت‌پرستی که نتیجه آن عذاب دوزخ است، دعوت می‌کنند و پیداست که اگر این دعوت را اجابت کردید، عذاب ابدی و همیشگی برای خود فراهم کرده‌اید و اگر هم اجابت نکنید، بین شما کدورت برقرار شده است و کانون خانواده که باید کانون مهر و محبت باشد، به دوزخ قهر و عداوت مبدل می‌گردد و بالأخره چه بسا مستلزم معاصی می‌شود که باعث عذاب و دخول در آتش خواهد بود (طیب، 1369، ج 2، ص 439).

دین ما بر یک اصل مهم در همسرگزینی تأکید زیادی دارد، بپرهیزید از اینکه ویژگی‌های ظاهری (زیبایی، ثروت، مقام، موقعیت اجتماعی یا مدرک تحصیلی بالا) شما را تحت تأثیر قرار بدهد، بلکه به ریشه‌ها و زمینه‌های رشد و تربیت فرد دقت کنید. همچنین در برخی روایات به بی‌نتیجه بودن زیبایی و مال در انتخاب همسر اشاره شده است: «عن ابی عبدالله: إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِجَمَالِهَا أَوْ مَالِهَا وَكُلَّ إِلَى ذَلِكَ وَ إِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ»، «امام صادق(ع) فرمود: اگر مردی با زنی به خاطر زیبایی یا ثروت او ازدواج کند، خدا او را با آن‌ها واگذار خواهد کرد؛ اما اگر به خاطر تدین او ازدواج کرد، خداوند ثروت و جمال را روزی او خواهد کرد» (حر عاملی، 1409ق، ج 20، ص 78).

بنابراین، در انتخاب همسر، ایمان اصالت دارد و نباید فریب ظاهر زیبای مشرکان و زنان را بخوریم و باید بدانیم که ازدواج خوب و موفق زمینه‌ساز بهشت و ازدواج بد و ناموفق زمینه‌ساز جهنم است. پس همسر و والدین معتقد باید بدانند در صورت نافرمانی و انتخاب غلط، عذاب دوزخ در انتظار آنها است، بنابراین، انسان عاقل در این دنیا کاری نمی‌کند که در دنیای دیگر، مستحق عقاب و آتش باشد و زیبایی ایمان همسر را فدای زیبایی ظاهری او نکند. پس باید ملاکش را اخلاق و تدین و... قرار دهد و بداند که ازدواج خوب و موفق زمینه‌ساز بهشت، ازدواج بد و ناموفق زمینه‌ساز جهنم است. از این‌رو، باید در ملاک‌هایش برای



ازدواج دقت کند. پس اعتقاد معادباوری در زوجین باعث می‌شود در انتخاب درست در ازدواج دقت بیشتری کنند و به زیبایی‌های ظاهری و ثروت و مقام طرف مقابل توجه نکنند و به حسن خلق و اصالت خانوادگی و... توجه داشته باشند تا از آثار مثبت این انتخاب و ملاک درست همسر، هم در دنیا و هم در آخرت بهره‌مند شوند.

#### سوم. تأثیر معادباوری بر دقت در انتخاب همسر

یکی از انتخاب‌های مهمی که ما در طول زندگی خود انجام می‌دهیم، انتخاب همسر است. انتخاب و دقت در انتخاب همسر بسیار پر اهمیت می‌باشد. انتخاب درست همسر می‌تواند در زندگی دنیوی و سعادت‌مندی انسان در آخرت مؤثر باشد و عدم دقت انسان در همسرگزینی و تشکیل خانواده غیر از بدبختی و تباهی چیزی دیگری نصیب انسان نمی‌کند و در زندگی مشترک خود دچار بحران خواهد شد؛ چرا که اشتباه در این امر و انتخاب نادرست می‌تواند آسیب‌های زیادی را به دنبال داشته باشد. پس انسان باید به دور از احساسات زودگذر با چشمانی باز به بررسی تمام جوانب امر بپردازد و عاقلانه و درست تصمیم بگیرد. قرآن کریم درباره این انتخاب می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»، «زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید و (سعی کنید از این فرصت بهره گرفته، با پرورش فرزندان صالح) اثر نیکی برای خود، از پیش بفرستید! و از خدا بپرهیزید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان، بشارت ده!» (بقره، 223).

**حرف:** به معنای کاشتن و بذرافشانی و نیز به معنای کشتزار است. در آیه نیز مقصود کشتزار می‌باشد (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 226).

در تفسیر معنای «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» سه قول آمده است:

- 1) زنان، کشتزار شمایند؛
- 2) زنان صاحب کشتند برای شما که فرزند و لذت از آنان به دست می‌آورید؛
- 3) زنان مانند کشت‌اند برای شما، «فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ...»، درآید به کشت خود از هر جا و یا به هر کیفیت که خواستید (طبرسی، 1372، ج 2، ص 564).

قرآن کریم رابطه زناشویی بین زن و مرد را کشتزار می‌نامد، نه فقط محلی برای ارضای غریزه جنسی. بر این اساس، وجود زن برای تولید نسل و حفظ بقای انسان است و کردار شوهر با زن، در مقام تولیدمثل باید مانند رفتار کشاورز با مزرعه‌اش، برای تولیدمثل باشد. پس، آیه در مقام بیان سهم زن در تولید و حفظ نسل بوده و تکرار حرث به علت اهمیت نسل و تأکید بر آن است (جوادی آملی، 1387، ج 11، ص 189).

زنان در اجتماع همچون مزرعه و برای افزایش و بقاء نسل، وسیله هستند. پس هرچه مردم در موقع کشت دقت کنند و دستورات را به‌کار بندند، نتیجه و محصول، بهتر خواهد بود.

در مجموع می‌توان گفت، باید در انتخاب همسر به اندازه کافی دقت بشود و احساسات را دخالت نداد. زنان صالحه و عقیفه انتخاب شوند تا فرزندان پاک و صالح تحویل جامعه شود، زیرا همسر انسان شریک در تمام مراحل زندگی است و بر روحیات، عواطف، اخلاق و افکار انسان تأثیر گذاشته، سعادت خانواده را تضمین می‌کند. نتیجه این انتخاب آن است که چنین خانواده‌ای فرزندان صالح و شایسته‌ای به جامعه تحویل می‌دهد و اثرات مثبت این فرزندان شایسته را در روز قیامت خواهند دید. بنابراین، فرد معتقد به معاد و زنده شدن دوباره و حسابرسی اعمال می‌داند که همه اعمال او در روز قیامت ثبت و ضبط و جزا و پاداش داده می‌شود. باید در انتخاب همسر خوب و صالح و عقیفه دقت لازم را بنماید و سعی کند از این فرصت بهره بگیرد و با پرورش فرزندان صالح و شایسته که به حال دین و دنیای او مفید باشد، اثر نیکی به عنوان یک ذخیره معنوی برای فردای قیامت از پیش بفرستد. وی اگر در انتخاب همسر دقت لازم را نداشته باشد و احساسات را ترجیح دهد (چشم‌پسته انتخاب کند)، با پرورش فرزندان ناصالح ضربه‌ای جبران‌ناپذیر به خود زده است و پیامدهای این انتخاب و فرزندان ناشایسته را تا روز قیامت خواهد دید، پس معادباوری در افراد، ایجاب می‌کند تا در انتخاب همسر دقت کنند.

#### 4. نتیجه‌گیری

بنابراین، باور به معاد، زندگی خانوادگی انسان را جهت‌دهی می‌کند و در تشکیل خانواده، انتخاب و رعایت معیارهای مناسب برای همسر و نیز شیوه ازدواج تأثیر بسزایی دارد و او را به تشکیل خانواده‌ای که بتواند او را در مسیر سعادت قرار دهد و او را از نعمت‌های اخروی بهره‌مند سازد، متعهد می‌کند. همه این اثرها، به علت آن است که اعتقاد به معاد، انسان را عاقبت‌اندیش کرده، یک نگاه جامع و خدامحورانه به او عطاء می‌کند تا خود را در برابر محکمه الهی در معاد تجسم کند. با بررسی صورت گرفته ذیل آیات مرتبط با معادباوری این نتیجه حاصل شد که از مهم‌ترین معضلات در تزلزل نهاد خانواده، عدم اعتقاد به معاد است. با عدم معادباوری در تشکیل این نهاد، در اثر عدم انتخاب‌های صحیح و ملاک‌های درست، انسان خود را به سقوط نزدیک می‌کند یا دست‌کم ظرفیت‌های فراوانی که خدا برای رشد و تسهیل راه سعادت او فراهم کرده است، از دست می‌دهد. این معادباوری در آیاتی از قبیل آیه 221 و 223 سوره بقره، قصص 26-27 و... اشاره شده است. با مراجعه به آیات می‌توان دریافت، معادباوری در تشکیل نهاد خانواده تأثیر بسزایی دارد و پذیرش مسئولیت در تشکیل خانواده، انتخاب همسر صالح و اهتمام به ملاک‌های الهی در این فرایند، جزء آثار و برکات آن محسوب می‌شوند.

### 5. پیشنهادات

- 1) توصیه می‌شود محققان اسلامی از یک‌سو وضعیت امر خانواده و ازدواج را واکاوی کرده و از سوی دیگر، ظرفیت معادباوری برای اصلاح و ارتقای وضع موجود به وضع مطلوب اسلامی را با نگاهی جامع به مفاهیم و ارزش‌های اسلامی تبیین کنند.
- 2) شایسته است که مبلغان علوم دینی به مشکل بالا رفتن سن ازدواج اهتمام کافی داشته باشند و در این زمینه هشدارهای دینی و اخلاقی را به جوانان ابلاغ کنند.
- 3) رسانه‌ها به‌ویژه صدا و سیما، نسبت به ساخت فیلم‌ها و محصولات هنری و معرفی الگوهای اسلامی بر پایه ارزش‌های دینی در زمینه تشکیل خانواده توجه بیشتری داشته باشند و از نشر محصولات فکری غربی پرهیز نمایند.



## منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، 1373، چاپ دوم.
1. ابن فارس، احمد بن فارس (1404ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتبه الاعلام الاسلامی، ج4-5.
  2. ابن منظور، محمد (1416ق). لسان العرب. بیروت: انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ج4-3، 10.
  3. ازهری، محمد بن محمد (بی تا). تهذیب اللغة. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ج4.
  4. آلوسی، محمود بن عبدالله (1415ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دارالکتب العلمیه، ج18.
  5. جوادی آملی، عبدالله (1387). تفسیر تسنیم. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ دوم، ج11.
  6. جوهری، اسماعیل (1376). تاج اللغة و صحاح العربیة. قاهره: انتشارات دارالعلم للملایین، ج1.
  7. حر عاملی، محمد بن حسن (1409ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت، ج20.
  8. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: الشامیه.
  9. سراقی، همایون؛ صفورایی پاریزی، محمدمهدی (1398). بازتعریف خانواده براساس قرآن و منابع روایی. پژوهش های روان شناسی، سال دوم، شماره 2، ص 67-95.
  10. طباطبایی، محمدحسین (1390). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ج2-3، 16.
  11. طبرسی، فضل بن حسن (1372). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصرخسرو، چاپ ناصرخسرو، سوم، ج7، 2.
  12. طیب، عبدالحسین (1369). الطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام، چاپ دوم، ج2.
  13. علی، جواد (بی تا). المفصل فی تاریخ العرب قبل از اسلام. قم: منشورات الرضی، ج5.
  14. عمید، حسن (1374). فرهنگ فارسی عمید. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ج1.
  15. قائمی، علی (1374). نظام حیات خانواده در اسلام. تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
  16. قرشی بنان، علی اکبر (1371). قاموس قرآن. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ج4.
  17. قرشی بنان، علی اکبر (1375). تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، چاپ دوم.
  18. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (1368). تفسیر کنز دقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت

- فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ج10.
19. کبیر مدنی شیرازی، سید علی خان بن محمد (1384). الطراز الاول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول. مشهد: موسسه آل بیت(ع)، ج5.
20. کلینی، محمد بن یعقوب (1407ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج5.
21. مصطفوی، حسن (1368). التحقيق في كلمات القرآن الكريم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج6، 8.
22. مغنیه، محمدجواد (1424ق). التفسیر الکاشف. قم: دارالکتب الاسلامی، ج5، 1.
23. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (1371). تفسیر نمونه. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ج2.
24. نوری، یحیی (1376). اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام. تهران: مؤسسه مطبوعاتی فراهانی، چاپ دوم.

استناد به این مقاله

سلیمانی بابادی، عبدالرضا؛ اسلامپور کریمی، حسن (1399). نقش معادباوری در تشکیل نهاد خانواده از نظر قرآن کریم. دین و خانواده، دوره اول، شماره 1، ص 69-86.

